

خطیب باشی روز اول نوروز

۳۰ فروردین ۱۳۹۳ ساعت ۱۹:۲۵

شاه به بالاخانه قمرالسلطان خانم شیرازی که یکی از زن‌های محبوبش بود برآمده مشرف به حوضی کم عرض و پر طول پای بالاخانه پشت میزی قرار می‌گرفت و دو سینی بزرگ طلا پر از مسکوک نقره و کیسه‌های شاهی سپید برابزش می‌نهادند. حوض مزبور یک زرع عمق داشت و کف آن از کاشی‌های الوان مفروش و آبش چنان شفاف بود که کوچکترین چیزی در کفش دیده می‌شد. خدمه اندرون از خرد و کلان اطراف حوض گرد می‌آمدند و شاه مشت مشت پول‌های را میان آنها می‌پاشی

همان دم شیپورچی که در بیرون منتظر ایستاده بود، باد به شیپور می‌کرد و در میدان مشق توپ‌های تحویل به غرش درمی‌آمد. شاه نخست به علما و بعد به سایرین تبریک می‌گفت، آنگاه قرآن مجید را به دست گرفته، تیمنا صفحه‌ای تلاوت می‌کرد. سپس حاج نظام الاسلام که از خاندان محترم و محرر امام جمعه بود برابر شاه زانو زده اندکی از تربت مخصوص در آب ریخته، تقدیم می‌داشت و شاه آن را لاجرعه می‌نوشتید و بعد به دادن کیسه‌های عیدی به علما می‌پرداخت و فرزندان‌شان را نیز بی‌بهره نمی‌گذاشت. چون علما بیرون می‌رفتند، چند دسته موزیک که اطراف حوض برابر موزه ایستاده به احترام آقایان خاموش بودند به نواختن آهنگ‌های دلکش می‌پرداختند.

